گزارش تاریخی

## شیوه سیاست‌ورزی بانوان ایرانی در عصر قاجار

مهدعلیا؛ مادر ناصرالدین‌شاه

برخی گمان می کنند که دوران قاجار، عصری است که در آن، زنان از هرگونه فعالیت سیاسی منع شده بودند و نقشی در امور نداشتند. هرچند به‌ظاهر، چنین به‌نظر می‌رسد که بازیگران اصلی صحنه سیاست دوره قاجار، مردان هستند، اما با کمی جست‌وجو، می‌توان ردپای بانوانی را در لابه‌لای صفحات تاریخ یافت که نه تنها در امور سیاسی دخالت داشتند، بلکه می‌توانستند در صحنه‌آرایی‌های سیاسی، دست مردان سیاست را از پشت ببندند و حرف خودشان را به کرسی بنشانند! در میان زنان سیاستمدار این عصر، مهدعلیا، مادر ناصرالدین‌شاه بیش از دیگران مشهور است؛ اما همه ماجرای سیاست‌ورزی زنان قاجاری، به‌وی خلاصه نمی‌شود. گزارش‌های متعددی درباره حضور بانوان مقتدر دربار و خاندان‌های اشراف، در فعالیت‌های سیاسی موجود است. ممکن است بگویید این زنان با پشتوانه قدرت خاندانی و جایگاه طبقاتی خود به میدان سیاست گام نهاده بودند؛ وگرنه در دوره قاجار، بانوان، راندگان این عرصه محسوب می‌شدند و بلکه از خود هیچ اختیاری نداشتند. در پاسخ باید گفت که در همین دوره، مردانی که چنین پشتوانه‌ای نداشتند هم، جرئت و توان ورود به عرصه سیاست‌ورزی را نداشتند و عملاً هیچ کاره بودند؛ بنابراین، باید این نکته را در نظر گرفت که در شرایط یکسان، بانوان قاجاری نیز، مانند رجال این عصر، به تاخت و تاز در عرصه سیاست می‌پرداختند. نمونه‌ای از فعالیت‌های سیاسی بانوان را، اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطراتش آورده‌است. وی تصریح می‌کند که «امینه اقدس»، حتی در تعیین صدراعظم نیز ورود می‌کرد و می‌کوشید دستگاه عریض و طویل اندرونی را با سیاست‌های بیرونی هماهنگ کند. ارتباطات سیاسی دیگر بانوان حرم ناصرالدین‌شاه مانند «اغول بیگه» و «باغبانباشی» با برخی سران حکومت، مانند کامران‌میرزا هم، مورد توجه اعتمادالسلطنه قرار گرفته و آن را در روزنامه خاطراتش ثبت کرده‌است. درواقع، رجالی که در پی جاه و مقام بودند، می‌کوشیدند از ظرفیت سیاسی بانوان، چه در قصر و چه در محافل اشرافی، بهره ببرند و کسانی که از این ظرفیت مهم غافل می‌شدند، در مسابقه با رقبا، شکست می‌خوردند. امین‌اقدس در عزل مشیرالدوله، نقشی مستقیم ایفا کرد و در قبال همکاری با اتابک، امکانات و قدرت بیشتری به دست آورد. مطالعه بر روی این نفوذ و فعالیت، نیازمند شناخت زوایای کمتر دیده شده‌ای از سیاست‌ورزی عهد قاجار است؛ موضوعی که می‌تواند نقش بانوان را در این دوره تاریخی، بیش از گذشته آشکار کند و نشان دهد که زنان ایرانی، در عرصه سیاست، دست کمی از مردان این سرزمین نداشته‌اند. بعدها و در دوره مشروطه نیز، بانوان در اقدامات آزادی‌خواهانه ورود کردند؛ حتی در مشهد و هنگام تشکیل جلسات انجمن ایالتی، گروهی از بانوان پشت در می‌ایستادند تا اخبار انجمن را بشنوند و در صورت مغایرت مصوبات با خواسته‌های عمومی، به آن اعتراض کنند.

# زندگی زیگزاگی موسولینی!

## دیکتاتور ایتالیا، چرا از معلمی دست کشید، جاسوس بریتانیا شد و سرانجام به پیشوایی فاشیست‌ها رسید؟

۱۹۲۲: موسولینی (فردایستاده در وسط تصویر) در میان فاشیست‌های سیاه‌پوش به‌رُم می‌رود و دیکتاتوری را آغاز می‌کند

**جواد نوائیان رودسری**– بنیتو موسولینی در تاریخ معاصر جهان، به‌عنوان یکی از آغازگران جنگ جهانی دوم و متحد آدولف هیتلر شناخته می‌شود؛ اما واقعیت آن است که مورخان، او را بیش از حد بزرگ کرده‌اند؛ بنیتو اصلا در حد و اندازه‌ای نبود که بخواهیم از وی با عنوان رهبر بزرگ فاشیست‌های ایتالیا نام ببریم. او تقریباً از میانه جنگ جهانی دوم، عملاً قدرت ادامه نبرد را نداشت و هنگامی که هیتلر از او خواست تا واحدهای نظامی‌اش را برای حمایت از آلمان، به جبهه شوروی بفرستد، نتوانست کاری انجام بدهد. موسولینی هرچند گام‌های مؤثری برای اتحاد با کلیسا به عنوان نهادی قدرتمند در ایتالیا برداشت و استقلال واتیکان را به رسمیت شناخت، اما در نهایت نتوانست برای خودش محبوبیت دست و پا کند؛ او خود را «دوچه» (پیشوا) می‌نامید و می‌خواست با این کار از هیتلر تقلید کند؛ اما فراموش کرده بود که رژیم حکومتی در ایتالیا، سلطنتی است و در صورتی که نتواند قدرت خود را حفظ کند، باید صابون عزل و زندانی شدن را به تنش بزند! بنیتو کوشید برای ایتالیا، مستعمراتی دست و پا کند، حتی در نبرد دوم «العلمین»، در شمال آفریقا، موفقیت‌هایی به دست آورد، لیبی را اشغال و اتیوپی را تصرف کرد؛ اما رها ورد این دو لشکرکشی پرهزینه برای ایتالیا، تقریباً صفر بود! او فقط می‌خواست به‌عنوان رهبری بزرگ و جنگجو شناخته شود؛ خود را با ژولیوس سزار مقایسه می‌کرد و شاید سودای تصرف شمال آفریقا و آلبانی، این گونه در سرش افتاد. شیوه‌های اداره حکومت توسط موسولینی، ثباتی نداشت؛ ایتالیایی‌ها مانند آلمانی‌ها تابع نظم و انضباط نبودند؛ اما موسولینی تظاهر می‌کرد که ارتشی وفادار دارد که به نظم مدنظر او تمکین می‌کنند؛ در حالی که چنین نبود. ضعف قدرت بنیتو تا آن‌جا پیش رفت که هیتلر عملاً مجبور شد با سربازان آلمانی شمال ایتالیا را بگیرد. موسولینی، مدتی بعد از قدرت برکنار شد و پارتیزان‌های ایتالیایی، او را دستگیر و تیرباران کردند. اما چرا بنیتو نتوانست از ادعاها و رویکردهایش طرفی ببندد؟ آیا غیر از همراهی نکردن ایتالیایی‌ها، دلیل دیگری هم داشت؟ آیا می‌توان در زندگی شخصی او، مستنداتی برای پاسخ دادن به این پرسش پیدا کرد؟

■ **یک زیگزاگی مادرزاد!**

بنیتو موسولینی در ۲۹ ژوئیه سال ۱۸۸۳ (مرداد ماه ۱۲۶۲)، در «دویا دی پره داپیو»، جایی در میانه شبه جزیره ایتالیا به دنیا آمد. خانواده بنیتو، به لحاظ اعتقادی، خانواده‌ای معوج و به هم ریخته بود؛ پدرش، آلساندرو موسولینی، یک آهنگر سوسیالیست بود که مذهب برایش اهمیت چندانی نداشت، اما مادرش، روزا مالتونی، به عنوان یک مسیحی کاتولیک بسیار متعصب شناخته می‌شد که در مدرسه مذهبی تدریس می‌کرد! دوگانه روزا-آلساندرو، از همان دوران کودکی، بنیتو را در معرض فراز و فرودهای اعتقادی متعدد قرار می‌داد؛ اصلا معلوم نبود این زن و شوهر، با وجود اعتقادات بسیار متفاوت، چطور با هم ازدواج کرده بودند! همین مسئله باعث شد که بنیتو، در مناسبت‌های مختلف و برای جلب توجه مادر یا پدرش، خود را هر روز در یک کسوت متفاوت عرضه کند؛ رویکردی که در سراسر زندگی، بنیتو را رها نکرد! او در نهایت، ترجیح داد به جای مسیحی متعصب شدن، تبدیل به یک سوسیالیست، با عقاید ناسیونالیستی شود؛ همان‌طور که پدرش ادعا می‌کرد. با این حال، بررسی زندگی موسولینی نشان می‌دهد که او به این مرام هم تعلق خاطری نداشت؛ وی در سال ۱۹۰۲، وقتی ۱۹ ساله بود، برای فرار کردن از خدمت سربازی به سوئیس گریخت و مدتی هم آن‌جا ماند؛ این در حالی بود که ایتالیا به وجود سربازان فداکار نیاز داشت! بنیتو در ژنو دستگیر شد، چون مدارک هویت خود را دستکاری کرده بود؛ او را به کشورش بازگرداندند تا یک راست به سربازی فرستاده شود؛ اما در سال ۱۹۰۴، بر اساس یک قانون، توانست از معافیت استفاده کند و دیگر سربازی نرود.

■ **آغاز فعالیت‌های سیاسی**

موسولینی شغل معلمی را انتخاب کرد و تا سال ۱۹۰۹ که دوباره از کشورش رفت، به این کار مشغول بود. او برای عضویت در حزب سوسیالیست ایتالیا، مدتی به اتریش رفت. در همین دوره بود که روزنامه‌نگاری را آغاز کرد و مقالات تند و آتشینی در حمایت از سوسیالیسم نوشت. موسولینی استعداد زیادی در لابی کردن و فعالیت‌های پشت‌پرده داشت؛ موضوعی که باعث شد خیلی سریع در ساختار حزبی ترقی کند. او حتی همگام با سوسیالیست‌های ایتالیا، به مخالفت جدی با اشغال لیبی پرداخت؛ کاری که خودش بعدها، با وحشی‌گری فراوان آن را به پایان رساند!

با آغاز جنگ جهانی اول، موسولینی باز هم چهره‌ای زیگزاگی از خود به نمایش گذاشت. ابتدا شرکت در جنگ را محکوم کرد؛ مقاله‌های تندی در این باره نوشت و پیوسته از شعار «مرگ بر جنگ» استفاده می‌کرد؛ اما دو ماه بعد، ناگهان تغییر رویه داد و به طرفدار سرسخت جنگ تبدیل شد. این اعوجاج برای سوسیالیست‌های ایتالیا قابل هضم نبود؛ در واقع هیچ کس جز خود موسولینی نمی‌توانست از آن سر در بیاورد! به همین دلیل او را از حزب سوسیالیست ایتالیا اخراج کردند. درست در همین دوره بود که بنیتو یکی از استعدادهای نهفته خود را بروز داد؛ سخنرانی کردن؛ البته پس از نشان دادن توانایی‌هایش در عرصه جاسوسی برای انگلیسی‌ها! او مبدل به یک سخنران برجسته شد که می‌کوشید شرایط ناشی از جنگ جهانی اول را در ایتالیا، به چالش بکشد. با پایان یافتن جنگ، بنیتو گرایش‌های فاشیستی خود را عیان کرد؛ دور دورِ فاشیست‌ها بود؛ همان‌هایی که می‌خواستند با انضباط آهنین، کشور را در مسیر پیشرفت نگه دارند؛ ولو با کشتار، قتل‌عام و شکنجه مخالفان؛ این، آغاز یک دیکتاتوری افسارگسیخته بود؛ یک استبداد هولناک که بر بستر اعوجاج رفتاری بنیتو موسولینی شکل گرفت، ولی همه فکر می‌کردند نسخه‌ای از اندیشه‌های نازی در آلمان است. موسولینی که زمانی با حقوق هفته‌ای ۱۰۰ پوند، به خدمت نیروهای اطلاعاتی بریتانیا درآمده بود، حالا، دست به کمرش می‌زد و با ژستی قلدرمآبانه، درباره طلوع دوباره امپراتوری روم سخن می‌گفت!

■ **فرجام فرمانده مشکی‌پوشان**

حرف‌های بنیتو آن‌قدر جذاب بود که هزاران جوان هیجان‌زده را به سوی خود جذب کند. او در ۲۸ اکتبر ۱۹۲۲ (۵ آبان ۱۳۰۱)، با ۳۰ هزار فاشیست مشکی‌پوش، دست به یک راهپیمایی به سوی رُم زد و پادشاه را واداشت که وی را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کند؛ به این ترتیب، قدرت عملاً در اختیار فاشیست‌های ایتالیا قرار گرفت. آن‌ها به خشونت دست زدند و از سال ۱۹۲۵، حکومت پلیسی و خفقان شکل گرفت. بنیتو در ایده‌آل‌ترین شکل زندگی‌اش قرار گرفته بود. او همه قیدهای اخلاقی را کنار زد؛ با کشیش‌ها متحد شد و حتی، با زنی متأهل طرح دوستی ریخت و او را به عنوان معشوقه خود برگزید تا نشان دهد که برای «دوچه» هیچ حد و مرزی وجود ندارد؛ این، پایان زندگی زیگزاگی بنیتو بود؛ او تا سال ۱۹۴۵ که تیرباران شد، سعی می‌کرد که نشان دهد به دنبال تغییر در زندگی‌اش نیست؛ اما این فقط یک خیال باطل بود؛ معلوم نیست که اگر دوام می‌آورد، چه لباس تازه‌ای را به تن می‌کرد!

قاب تاریخ

## «شهر فرنگ» و تاریخ ۱۰۰ ساله شبکه «پویا» در ایران!

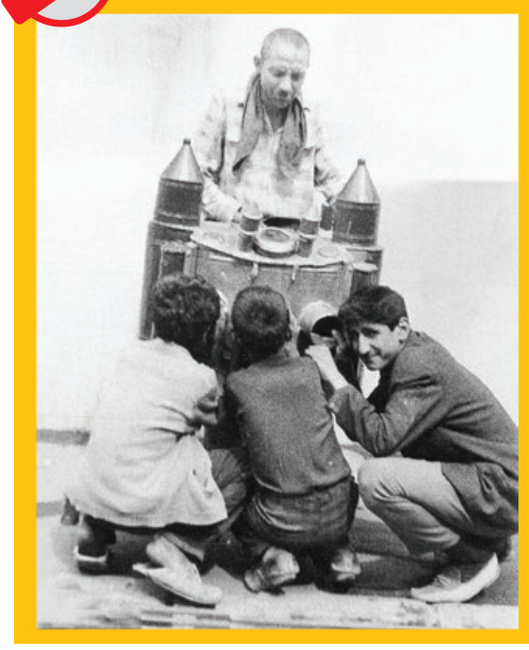

تفریحات و بازی‌های کودکانه، بخشی از حافظه تاریخی هر نسل را تشکیل می‌دهد. اطفال با این سرگرمی‌ها، تجربه‌هایی را کسب می‌کنند که می‌تواند در زندگی آینده آن‌ها، نقش عمده‌ای ایفا کند. هرچند نخستین سرگرمی‌های بصری اطفال ایرانی، عبارت از سیاه‌بازی و نقالی‌هایی بود که عروسک‌هایی مانند «مبارک» در آن‌ها خوش می‌درخشیدند، اما به‌واقع باید نخستین سرگرمی بصری مدرن کودکان ایران زمین را، وسیله‌ای دانست که در افواه عموم، به «شهر فرنگ» شهرت داشت؛ وسیله‌ای قابل حمل روی پایه‌های چرخ‌دار که شبیه قصر بود و معمولاً به روش‌های مختلف، به رنگ طلایی درمی‌آمد تا نظرها را بیشتر به خود جلب کند. این وسیله چند منفذ ورودی داشت و بینندگان می‌توانستند با نگاه کردن از درون آن‌ها، به تماشای تصاویری بنشینند که در واقع، عکس‌ها و مناظری از شهرهای اروپایی و روسیه تزاری بود. نور لازم برای دیدن تصاویر، معمولا با انعکاس اشعه آفتاب از طریق آیینه و این اواخر، با استفاده از چراغ زنبوری، تدارک دیده می‌شد و فردی با چرخاندن دسته پشت «شهر فرنگ»، تصاویر را حرکت می‌داد و عکس‌ها را عوض می‌کرد. معمولاً کسی که صاحب «شهر فرنگ» بود، با استفاده از قریحه خود، داستان‌های دور و درازی برای تصاویر می‌ساخت و آن‌ها را در قالب شعر یا جملات مسجع، به خورد بینندگان که عموماً کودک بودند، می‌داد و هیجان دیدن عکس‌ها را بیشتر می‌کرد. محبوبیت این وسیله باعث شده بود که اشتغال به گرداندن و عرضه آن، به شغلی مورد احترام و توجه عموم تبدیل شود. سخنان شهر فرنگی، همیشه با این جملات آغاز می‌شد: «شهر، شهر فرنگه، از همه رنگه، خوب تماشا کن!». این وسیله را باید ابزاری برای گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی در جامعه ایرانی هم، بدانیم. زمان ورود این وسیله به ایران یا ساخت آن، به تحقیق معلوم نیست؛ اما گزارش‌های موجود، از فعالیت شهر فرنگی‌ها در دهه ۱۲۹۰ هـ.ش خبر می‌دهند. نباید از یاد برد که «شهر فرنگ»، نخستین سرگرمی بصری مدرن اطفال ایران و در واقع، اولین شبکه «پویا»یی بود که بیش از یک قرن قبل، راه افتاد و توجه کودکان را به خود جلب کرد. تصویری که امروز در قاب تاریخ مشاهده می‌کنید، یک «شهر فرنگ» را در دوره پهلوی اول، حدود سال ۱۳۱۲ هـ.ش نشان می‌دهد.

چند خط تاریخ

گزارش پزشک اتریشی از ورزشکاران دوره قاجار

## برخی پهلوانان ایرانی ۸۰۰ بار شنا می‌روند!

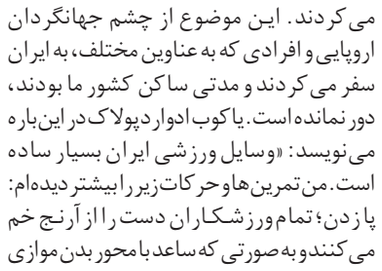

ورزش از دیرباز در فرهنگ ایرانی، جایگاهی مهم و تأثیرگذار داشته است. ایرانیان، به‌واسطه روح سلحشوری و میهن‌دوستی، همواره در تربیت جسم، مانند تربیت روح، کوشا بوده‌اند تا در مواقع هجوم بیگانگان، بتوانند از قدرت بازو، برای دفع اجنبی بهره ببرند. مورخان یونانی، گزارش‌های عجیبی درباره توجه ایرانیان به ورزش، به ویژه در رشته‌های سوارکاری و تیراندازی نوشته‌اند. تاریخ‌نویسان رومی، همیشه از تناسب اندام سربازان ایرانی حیرت کرده و آن را الگویی مناسب برای سربازان خودشان دانسته‌اند. در دوران پس از ورود اسلام به ایران، ریشه‌های فرهنگی از یک سو و تأکید آموزه‌های اسلامی برای کوشیدن در سلامت تن، از سوی دیگر، ایرانیان مسلمان را بیش از گذشته، متوجه ورزش و اهمیت آن کرد. کُشتی به عنوان یک ورزش پهلوانی، مورد توجه بیشتر قرار گرفت و پهلوانان نامداری مانند پوریای ولی و فیله همدانی ظهور کردند که افزون بر زور بازو، مزیّن به اخلاق کریمه نیز بودند. با این حال، موضوعی که کمتر به آن توجه شده است، بررسی شیوه‌ها و ابزارهایی است که ایرانیان برای ورزش از آن استفاده می‌کردند. این موضوع از چشم جهانگردان اروپایی و افرادی که به عناوین مختلف، به ایران سفر می‌کردند و مدتی ساکن کشور ما بودند، دور نمانده‌است. یاکوب ادوارد پولاک در این‌باره می‌نویسد: «وسایل ورزشی ایران بسیار ساده است. من تمرین‌ها و حرکات زیر را بیشتر دیده‌ام: پا زدن؛ تمام ورزشکاران دست را از آرنج خم می‌کنند و به صورتی که ساعد با محور بدن موازی می‌شود و دو به دو مقابل هم جست می‌زنند. در ابتدا با تأنی و بعد با ضرب سریع، تا این که تعداد حرکات به ۲۰۰ تا ۳۰۰ برسد یا این که به دیوار گود تکیه می‌دهند و با پایی که از زانو و کمر خم شده است مدتی به دیوار می‌کوبند و آن گاه نوبت به پای دیگر می‌رسد. میل گرفتن؛ دو گرز چوبی را که وزن هریک بین پنج تا ۱۰ کیلوگرم است، به دور سر به دَوَران در می‌آورند؛ کار کشته‌ترها گاه یکی و گاه دیگری را به هوا پرتاب می‌کنند و با مهارت آن‌ها را دوباره می‌گیرند. این حرکات، به خصوص عضلات بازوان و سینه را تقویت می‌کند و پهلوانان سرشناس و نام‌آور به‌ویژه بازو و سینه نیرومندی دارند. سنگ گرفتن؛ به پشت می‌خوابند. آن‌ها را قدری جمع می‌کنند دو تخته سنگین را به دست می‌گیرند که هر کدام حدود ۲۵ تا ۳۵ کیلوگرم وزن دارد که در وسط آن سوراخی است، با چوبی به صورت مورب. این تخته‌ها را به روی سینه به داخل و خارج حرکت می‌دهند. این تمرین سخت خسته کننده، عضلات سینه و شکم و همچنین پشت را بسیار به کار می‌اندازد. شنا رفتن؛ چنان به روی زمین قرار می‌گیرند که فقط انگشتان پا و کف دست با زمین تماس داشته باشد و بقیه بدن آزاد بماند؛ آن‌گاه به تمرین آغاز می‌کنند و متناوباً، ثقل بدن را روی انگشتان پا و دست قرار می‌دهند و هنگام به جلو سُریدن، پیشانی همواره با زمین تماس پیدا می‌کند. دیدم پهلوانانی را که ۸۰۰ بار پشت سر هم این تمرین فرساینده را تکرار کرده‌اند. در این تمرین عضلات پشت و به خصوص عضلات ناحیه پهلو، به بهترین نحو فعال می‌شود.»

آگهی تعیین کارشناس (مرحله اول) مجوز (۱۳۹۸/۷۶۳۶)

شرکت گاز استان خراسان رضوی

در اجرای ماده ۹ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی نسبت به تملک زمین محل احداث ایستگاه تقلیل فشار گاز شهرستان صالح آباد (مطابق کروکی ذیل) اقدام نموده است. لذا بدینوسیله از صاحبان حقوق احتمالی اراضی موصوف دعوت می گردد، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی با اسناد مثبته مالکیت جهت تعیین کارشناس منتخب (وفق ماده ۴ لایحه قانونی فوق الذکر) به آدرس مشهد– تقاطع بلوار خیام و ارشاد– شرکت گاز استان خراسان رضوی– طبقه دوم امور حقوقی– اتاق ۲۰۷ مراجعه نمایند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه ظرف مهلت مقرر اقدام قانونی لازم بعمل خواهد آمد.

تحویل ایستگاه 10000 T.B.S صالح آباد شهرستان ثریت جام
ابعاد زمین ایستگاه : 20*10 متر
ابعاد مسیر دسترسی ایستگاه :– متر

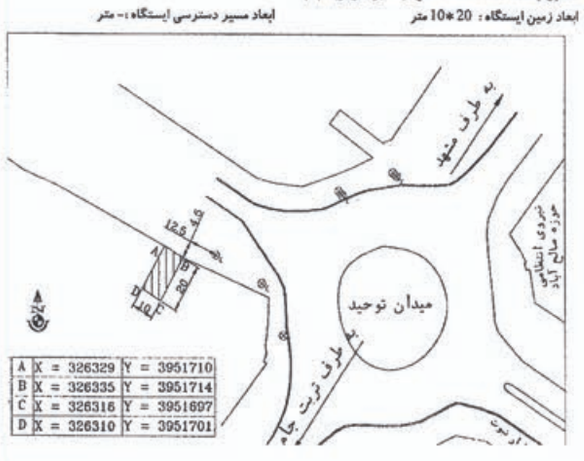


روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان رضوی

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی انجام کارهای تعمیراتی محوطه و ساختمان ها در سطح پردیس دانشگاه فردوسی مشهد

دانشگاه فردوسی مشهد در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی انجام کارهای تعمیراتی محوطه و ساختمان ها در سطح پردیس دانشگاه فردوسی مشهد به شماره ۲۰۹۸۰۹۱۵۷۹۰۰۰۰۱۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ می باشد.
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: روز سه شنبه ۱۳۹۸/۱۲/۲۰ ساعت ۱۹:۰۰
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: روز شنبه ۱۶ /۱۳۹۹/۰۱ ساعت ۱۳:۰۰
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، سازمان مرکزی (تلفن ۳۸۸۰۲۲۶۵-۰۵۱)
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه ( www.setadiran.ir ) بخش «ثبت نام/ پروفایل تامین کننده/ مناقصه گر» موجود است.

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی:
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی:
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

تشکر و قدردانی
جناب آقای بهادر مدیرکل محترم اداره ثبت اسناد و املاک خراسان رضوی، جناب آقای صانعی فر ریاست محترم بازرسی، جناب آقای غلامی ریاست محترم املاک و به ویژه جناب آقای خدادادزاده ریاست محترم حفاظت
بدینوسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را که در جهت احقاق حق و اجرای قانون ما را یاری نموده اید، ابراز می نماییم.
حسینی